

آثار معادباوری از نگاه امام علی - قسمت دوم

<?xml encoding="UTF-8?>

اشاره

از نظر ادیان الهی و به خصوص اسلام، زندگی انسان در این دنیا بی هدف و پوچ نمی باشد؛ بلکه مقدمه ای برای زندگی ابدی و همیشگی آخرت است. از نظر انسانی که به معاد و رستخیز اعتقاد دارد، زندگی این دنیا کشتزاری است که هر چه در آن کشت شود، در آخرت برداشت خواهد شد؛ از این رو می کوشد از لحظه لحظه های زندگی خویش بهره برده و بذریه خوبی را بکار و به خوبی از آن مراقبت کند تا بتواند در آخرت محصول خوبی را نیز برداشت کند. در این نوشتار برخی از آثار دنیوی ایمان به معاد در زندگی و منش های فردی انسان از منظر امام علی (ع)، مورد بررسی قرار گرفته است؛ که در شماره گذشته به مواردی از این آثار از جمله: تقوا مداری، مراقبه و محاسبه، رغبت به عبادت، بصیرت و شناخت قلبی، عقل گرایی و غفلت زدایی و... اشاره شد و اینک به سایر آثار و برکات این باور اعتقادی می پردازیم.

معادباوری و کنترل غرایز و شهوات

هنگامی که آدمی در پرتو ایمان به غیب و اعتقاد به سرای باقی، دریافت که فرصت دنیا بسیار محدود و بهره آن نیز بسیار ناچیز است و حتی در قلمرویی که به دست می آید، نمی توان آن را برای همیشه حفظ کرد و خوشی ها و لذایذ واقعی نیز در همین ایام کوتاه خلاصه نمی شود؛ دیگر نه هر دم امواج خواسته های بی پایان بر دلش استیلا می یابد که خود را به همه چیز وابسته کند و موجب انهدام خویشستن گردد و نه از اینکه بیش از حد از نعمت ها و ثروت های دنیا برخوردار نشده، آزرده خاطر می شود.

در زندگی دنیا هم آرزوهای بلند و هم یأس های عمیق، در کمین انسان نشسته اند و هر دو کشنده و تهدیدکننده زندگی اند و آنچه هر دو را در بند می کشد، یاد مرگ است. یاد مرگ هم «آمال» و هم «آلام» را که هر دو بی حد جلوه می کنند، محدود می کند و آن ها را آن چنان که هستند، کوچک نشان می دهد و تاب و طاقت آدمی را افزایش می دهد و او را بر ادامه زندگی قادر می سازد.

پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «از بین برنده لذت ها را بسیار یاد کنید. سؤال شد: آن چیست؟ فرمود: مرگ... و

مرگ، اولین منزل از منازل سرای آخرت و آخرین مرحله از مراحل [زندگی] دنیاست». [1]

امام علی (ع) نیز یاد مرگ و قیامت را اصلاحگر انسان و تربیت کننده روح دانسته و می فرماید: «به هنگام تصمیم بر کارهای زشت، مرگ را که نابودکننده لذت ها و مکدرکننده شهوات و قطع کننده آرزوهاست، به یاد آورید». [2]

همچنین آن حضرت برای اصلاح و تربیت نفس، از اهرم اعتقاد به آخرت استفاده می کند. این اهرم به اندازه ای قوی است که گاه بزرگانی مانند «همّام» با شنیدن «خطبه متقین»، قالب تهی می کنند.

امام علی (ع) در نهج البلاغه پس از تلاوت سوره تکاثر می فرماید: «شب یا روزی که رخت سفر مرگ در آن بسته

اند، برای آنان جاودانه شده، خطرات آن جهان را وحشتناک تر از آنچه می ترسیدند، یافتند و نشانه های آن را بزرگ تر از آنچه در نظر داشتند، مشاهده کردند. برای وصول به هر یک از دو نتیجه بهشت و یا جهنم تا محل قرارگاهشان، مهلت داده شده و عالمی از بیم و امید، برایشان فراهم ساخته اند. اگر می خواستند آنچه را که در آنجا مشاهده کرده و با چشم دیده اند، توصیف کنند، زبانشان عاجز می شد». [3]

با توجه به مطالب یاد شده، به خوبی روشن می گردد که اعتقاد به حیات پس از مرگ و حوادث آن، قوی ترین عاملی است که می تواند شهوات حیوانی انسان را به زنجیر کشیده، کنترل و تعدیل نماید. چنان که امام علی (ع) خطاب به مالک اشتر می فرماید: «لَنْ تَحْكَمَ ذَلِكَ مِنْ نَفْسِكَ حَتَّى تُكْثِرَ هُمُومَكَ بِذِكْرِ الْمَعَادِ إِلَى رَبِّكَ؛ تو بر خود مسلط نشوی، مگر آن گاه که همت تو در یاد از قیامت و بازگشت به سوی خداوند بیشتر شود». [4]

بنابراین، اعتقاد به حیات پس از مرگ و حوادث آن، قوی ترین عاملی است که می تواند شهوات حیوانی انسان را به زنجیر کشیده، کنترل و تعدیل نماید.

ایمان به معاد و آرامش روحی - روانی

از آنجا که روی برتافتن از معنویت و اخلاق و گرایش به ارزش های مادی، برخلاف ساختار روحی - روانی انسان و در جهت عکس قانون خلقت است، بشریت با بحران های بسیاری دست به گریبان می باشد و هر چه این حرکت معکوس تداوم یابد، این بحران شدیدتر می شود.

یکی از پیامدهای بی اعتنائی انسان به معنویت که طعم خوش حیات را در کام انسان ها تلخ کرده، افسردگی و اضطراب است. این گونه انسان ها، زندگی را منحصر به دنیا و دنیا را همه دوره حیات خود می پندارند و به فرموده قرآن کریم شعار چنین افرادی این است: «آن ها گفتند: "چیزی جز همین زندگی دنیای ما در کار نیست؛ گروهی از ما می میرند و گروهی جای آن ها را می گیرند و جز طبیعت و روزگار ما را هلاک نمی کند". آنان به این سخن که می گویند، علمی ندارند؛ بلکه تنها حدس می زنند (و گمانی بی پایه دارند)». [5] زندگی برای چنین افرادی همین مدت محدود، همراه با همه رنج ها، سختی ها و مشکلات گوناگون است؛ از این رو، افسردگی، ناامیدی، اضطراب روانی، بلاتکلیفی، احساس پوچی و بی هدفی بر این گونه زندگی سایه می افکند و حتی در زمان هایی که به لذت های ناپایدار و زودگذر این دنیا رو می آورد نیز ترس و وحشت و اضطراب، آن ها را رها نمی کند.

طبیعت دنیا مستلزم آن است که انسان همیشه به آنچه می خواهد و دوست دارد، نرسد؛ حتی با سختی ها و ناملایمات، شکست ها و ناکامی ها و ضرر و زیان های بسیار، با چیزهای ناخوشایند دیگر مواجه می شود.

ایستادگی در برابر مشکلات و ناامید نشدن، محتاج به جهان بینی استواری است که بتواند مقاومت در برابر آن ها را برای انسان توجیه کند. تنها جهان بینی الهی و ایمان به معاد است که از عهده این مشکل برمی آید: «پس آیا کسی که خدا سینه اش را برای [پذیرش] اسلام گشاده و [در نتیجه] برخوردار از نوری از جانب پروردگارش می باشد [همانند فرد تاریک دل است]؟ پس وای بر آنان که از سخت دلی یاد خدا نمی کنند، اینانند که در گمراهی آشکارند». [6] جهان بینی مادی، توان توجیه منطقی و منطبق با فطرت سلیم را ندارد و معتقدان به آن، در مقابل مشکلات خلع سلاح هستند. [7] شاهد این مدعا وجود بیماری های روحی حاد و بحران های شدید اخلاقی در دنیای معاصر به ویژه در جوامع مادی غرب است.

عامل اصلی این نگرانی ها به طور عمده احساس پوچی و بی هدف بودن زندگی، احساس نداشتن پناهگاه در مشکلات طاقت فرسا، تصویر وحشتناک از مرگ و بدبینی و ترس از آینده جهان و آینده زندگی فردی است. بدون

شک ایمان به سرای دیگر و زندگی جاویدان در آن عالم، توأم با آرامش و عدالت، می تواند به این نگرانی ها پایان دهد. [8]

یاد مرگ در گشایش و سختی، موجبات تعادل روحی و روانی انسان را فراهم می کند. امام علی (ع) می فرماید: «مرگ و خروج از قبر و ایستادن در برابر خدای تعالی را زیاد یاد کنید، به درستی که این کار مصیبت ها و مشکلات (دنیا) را بر شما آسان می نماید». [9] همچنین آن حضرت (ع) می فرماید: «کسی که زیاد به یاد مرگ باشد، از دنیا به اندکش راضی می شود». [10]

اما افرادی که به جهان آخرت ایمان راسخ ندارند و فقط به لذایذ و کامیابی های مادی دنیوی اهمیت می دهند، نه تنها به اندک آن قانع نمی شوند؛ بلکه از جهات مختلف گرفتار تشویش خاطر و اضطراب می گردند.

احساس مسئولیت و حالت آماده باش دائمی

یکی از آثار اعتقاد به معاد، بیدار شدن احساس مسئولیت و وظیفه شناسی در عمق وجود انسان هاست؛ به گونه ای که تمام افکار و کردار آدمی را تحت الشعاع قرار می دهد و او در مقابل هر کاری، خود را موظف به پاسخگویی می داند. قرآن کریم به منظور تأکید بر مسئولیت انسان در برابر عملکرد خویش با لحنی آمیخته به انکار و عتاب می فرماید: «آیا انسان گمان می کند بی هدف رها می شود؟». [11]

قرآن کریم در نفی این پندار، حیات مجدد انسان، جریان مسئولیت خواهی و مؤاخذه اش در روز قیامت را به او گوشزد می نماید: «پس سوگند به پروردگارت که از همه آنان خواهیم پرسید، از آنچه انجام می دادند». [12]

انسان معتقد به معاد، بر این باور است که روز قیامت در پیشگاه عدل الهی مؤاخذه خواهد شد و دایره مسئولیت او به کارهای ظاهری بزرگ محدود نمی شود: «اگر آنچه در دل های خود دارید، آشکار یا پنهان کنید، خدا شما را به آن محاسبه می کند... و خداوند بر هر چیزی تواناست». [13]

انسان معادباور، معتقد است که روز قیامت در پیشگاه عدل الهی تمام اعمال او، حتی به اندازه وزن دانه «خردل» و یا «ذره» را نافذی بصیر و خبیر به نقد می کشد تا سره از ناسره مشخص گردد. [14] از این رو، کوتاه ترین لحظات عمر نیز ارزشی فوق العاده می یابد و انسان خود را همچون مسافری خواهد دانست که باید از فرصت ها بیشترین بهره را ببرد و ره توشه آخرت را هر چه بیشتر و بهتر برگیرد.

در بسیاری از روایات سعی شده از این اصل (مسئول بودن انسان) به عنوان محرک و پشتوانه ای برای اجرای احکام و دستورهای شرع مقدس بهره برداری شود.

امام علی (ع) می فرماید: «از خدا بترسید، درباره بندگان و شهرهای او (بر کسی ستم نکنید و به ویرانی و تباه کاری در زمین اقدام ننمایید)؛ زیرا در قیامت از همه کارهای شما می پرسند، حتی از زمین ها و چهارپایان؛ از خدا اطاعت کنید و نافرمانی ننمایید». [15]

در «عهدنامه» امیرالمؤمنین (ع) به محمد بن ابی بکر آمده است: «با آنان (مردم مصر) فروتن، نرم خو و همواره گشاده رو باش و به همگان به یک چشم بنگر، خواه به گوشه چشم به آنان بنگری و خواه خیره شوی، تا بزرگان در تو طمع ستم بر ناتوانان نبندند و ناتوانان از عدالتت مأیوس نگردند؛ زیرا خداوند از همه بندگان از خرد و درشت کارها و از آشکار و نهان آن می پرسد». [16]

بدین ترتیب، این آموزه ها موجی از احساس مسئولیت در برابر همه رویدادهای زندگی در اعماق روح انسانی که مؤمن به زندگانی پس از مرگ است، به وجود می آورد.

عقیده به عالم پس از مرگ و بقای اثر اعمال آدمی، هم می تواند یک «عامل بازدارنده قوی» در برابر گناه و خطاکاری و هم یک «عامل محرک نیرومند» برای تشویق سرمایه گذاری مادی و معنوی در راه خدمت به خلق خدا و نیکی ها گردد.

اثراتی که ایمان به عالم پس از مرگ می تواند در اصلاح افراد فاسد و منحرف و تشویق افراد فداکار و مجاهد و لایق بگذارد، به مراتب بیش از اثرات دادگاه ها و کیفرهای معمولی و بیش از پاداش ها و تشویق های عادی است؛ زیرا از مشخصات دادگاه رستاخیز این است که نه تجدید نظر در آن راه دارد و نه توصیه و پارتی بازی، نه می توان فکر قضات آن را با ترفند و ارائه مدارک دروغین تغییر داد و نه تشریفات آن نیازمند به طول و تفصیل خواهد بود. قرآن کریم می فرماید: «از روزی بپرهیزید که هیچ کس به جای دیگری جزا داده نمی شود و نه شفاعتی از او پذیرفته خواهد شد و نه غرامت و بدل و نه کسی به یاری او می آید». [17] همچنین می فرماید: «و هر کس از آن ها که ظلم و ستم کرده، اگر تمامی روی زمین را در اختیار داشته باشد، در آن روز همه را برای نجات خویش می دهد و هنگامی که عذاب الهی را می بینند، پیشیانی خود را مکتوم می دارند [مبادا رسواتر شوند] و در میان آن ها به عدالت دآوری می شود و ستمی بر آن ها نخواهد رفت». [18] همچنین در آیه ای دیگر می خوانیم: «هدف این است که خداوند هر کس را به آنچه انجام داده، جزا دهد؛ زیرا خداوند سریع الحساب است». [19] از این رو قرآن کریم، سرچشمه بسیاری از گناهان را فراموش کردن روز جزا دانسته است: «بچشید آتش دوزخ را به خاطر اینکه ملاقات امروز را فراموش کردید». [20] حتی از پاره ای از تعبیرات استفاده می شود که اگر انسان گمانی به روز قیامت داشته باشد نیز از انجام بسیاری از اعمال خلاف دوری می کند. [21] امام علی (ع) می فرماید: «از نافرمانی خداوند بپرهیزید؛ زیرا همان کسی که شاهد است، همان کس حاکم و دادرس است». [22]

تأثیر ایمان به معاد در حسن اعمال به قدری روشن و آشکار است که امیرمومنان علی (ع)، تعجب می کند از کسی که ایمان به آخرت دارد و در حسن اعمال خویش نمی کوشد؛ حضرت می فرماید: «عَجِبْتُ لِمَنْ يَعْلَمُ أَنَّ لِلْأَعْمَالِ جَزَاءً، كَيْفَ لَا يَحْسَنُ عَمَلَهُ [23]؛ در تعجبم از کسی که می داند که اعمال جزا دارد، عملش را نیکو به جا نمی آورد».

همچنین آن حضرت (ع) می فرماید: «مَنْ تَذَكَّرَ بُعْدَ السَّفَرِ اسْتَعَدَّ [24]؛ کسی که به یاد سفر طولانی آخرت باشد، خود را آماده می سازد».

بنابراین عقیده باعث می شود که انسان در دنیا در حالت بیدار باش به سر ببرد و خود را در انجام کارها آزاد و مطلق نبیند.

عبرت آموزی

از دیگر ثمرات نیکوی درخت پربار ایمان به معاد، عبرت آموزی از تاریخ گذشتگان و پندآموزی از فراز و نشیب زندگی است. آدمی در پرتو ایمان و باور به معاد و با چشمانی نافذ و حقیقت بین می تواند از ظواهر امور به باطن آن دیده گشاید و از خانه غرور به خانه شعور پا نهد.

تحولات دنیا، دگرگونی های روزگار، آمدن ها و رفتن ها، همه و همه آینه های تمام نمایی هستند که به خوبی

ناپایداری این دنیا و جلوه های فریبای آن را نشان می دهند و انسان را از دل بستن به دنیا و فرو رفتن در گرداب غفلت برحذر می دارند؛ به شرط آنکه انسان تنها تماشاگر حوادث نباشد؛ بلکه از مدرسه روزگار درس عبرت آموزد و خود را برای دانشگاه قیامت مهیا سازد:

ای خوشا چشمی که عبرت بین بود / عبرت از نیک و بدش آیین بود

امام علی (ع) در سفارش به پندپذیری از تاریخ می فرماید: «اگر راهی برای زندگی جاودانه وجود می داشت یا از مرگ گریزی بود، حتماً سلیمان بن داوود (ع) چنین می کرد؛ او که خداوند حکومت بر جن و انس را همراه با نبوت و مقام بلند قرب و منزلت در اختیارش قرار داد، اما آن گاه که پیمان عمرش لبریز و روزی او تمام شد، تیرهای مرگ از کمان های نیستی بر او باریدن گرفت و خانه و دیار از او خالی گشت، خانه های او بی صاحب ماند و دیگران آن ها را به ارث بردند.

مردم! برای شما در تاریخ گذشته عبرت ها و درس های فراوان وجود دارد؛ کجایند عمالقه و فرزندانان؟ کجایند فرعون ها و فرزندانان؟ کجایند مردم شهر رس، آن ها که پیامبران خدا را کشتند و چراغ نورانی سنت آن ها را خاموش کردند و راه و رسم ستمگران و جباران را زنده ساختند؟» [25]

به هر حال، مطالعه و تأمل در زندگی گذشتگان، همواره در بردارنده نکات آموزنده اخلاقی و تربیتی است. مشاهده می کنیم آن ها که همواره بر شوکت، قدرت و ثروت خویش مغرور بودند و دست به هر ستمی می زدند، اکنون در گوشه ای از این زمین پهناور زیر انبوهی از خاک رها شده اند و روحشان در عالم برزخ پاسخگوی رفتار و اعمالشان است. امام علی (ع) دراین باره می فرماید:

«همانا گذشتگان را دیدی که ثروت ها اندوختند و از فقر و بیچارگی وحشت داشتند و با آرزوهای طولانی فکر می کردند در امانند و مرگ را دور می داشتند، دیدی چگونه مرگ بر سرشان فرود آمد و آنان را از وطنشان بیرون راند؟... آیا ندیدید آنان را که آرزوهای دور و دراز داشتند و کاخ های استوار می ساختند و مال های فراوان می اندوختند، چگونه خانه هایشان گورستان شد و اموال جمع آوری شده شان تباہ و پراکنده و از آن وارثان گردید و زنان آن ها با دیگران ازدواج کردند؟ آن ها نه می توانند چیزی به نیکی هایشان بیفزایند و نه از گناه توبه کنند».

[26]

قرآن کریم پس از بیان سرگذشت دردناک قوم نوح، عاد، ثمود، شعیب، لوط و سرگذشت فرعونیان، ماجرای آن ها را درس عبرتی برای همه کسانی می داند که از عذاب آخرت در ترس و بیم به سر می برند و پشتشان از شنیدن حوادث هولناک قیامت می لرزد. [27]

آری، آن ها که به رستاخیز ایمان دارند، با دیدن هر یک از این نمونه ها و سرنوشت شومی که چنین اقوامی بدان گرفتار آمدند، دل هایشان تکان می خورد و از ماجرای آن ها عبرت می گیرند، راه خود را باز می یابند و دامن خود را به گناهانی که آن ها به آن آلوده شدند، نمی آلاینند. اما آن ها که به قیامت ایمانی ندارند، دریچه دل هایشان بر واقعیت های زندگی بسته شده، تنها سر در آخور زندگی دارند و از آخرت غافل اند و از مواظ و عبرت های فراوان عالم هیچ تأثیر نمی پذیرد.

بنابراین، با توجه به اثرات اعتقاد به معاد باید گفت که ایمان به معاد، قلمرو اندیشه و نظر انسان را گسترش می دهد. انسان با ایمان، دنیا را گذرگاه و سرای آخرت را قرارگاه ابدی می داند. این باور دینی موجب بلند همتی و تلاش فزاینده برای نیل به آینده ای سرنوشت ساز و تابناک می گردد؛ زیرا از نظر روانی، آینده نگری و داشتن امید به

فردایی روشن و تعیین‌کننده در خودباوری، از خود مایه گذاشتن، پشتکار و پایداری انسان نقش بسیار مؤثر دارد. امام علی (ع) می‌فرماید: «دنيا، چشم‌انداز نهایی انسان‌های کوردل و ناآگاه است. آنان جهان‌های دیگر را نمی‌بینند، اما انسان بصیر و روشن‌بین آینده را هم می‌بیند و می‌داند که سرای ابدی در پس دنیا است. انسان بصیر از طریق دنیا به آخرت می‌نگرد (به دنیا با دید ابزاری می‌نگرد)، ولی انسان فاقد بصیرت به خود دنیا می‌نگرد (به دنیا با دید غایی نگاه می‌کند). انسان بصیر از دنیا برای آینده خویش زاد و توشه برمی‌گیرد و انسان فاقد بصیرت برای دنیا توشه و زاد آماده می‌کند». [28]

مؤمن از دنیا برای آخرت خود، زاد و توشه می‌سازد و کافر از دنیا فقط بهره دنیوی می‌برد. قرآن کریم می‌فرماید: «عده‌ای از دوزخیان خواهند گفت: اگر شنوا و عاقل می‌بودیم، در جمع دوزخیان نبودیم». [29] همچنین می‌فرماید: «کافران، بسان چارپایان می‌خورند و بهره می‌جویند و دوزخ جایگاه آن هاست». [30]

پی نوشت ها :

- [1]. بحارالانوار، ج 6، ص 133.
- [2]. نهج البلاغه، خطبه 99.
- [3]. همان، خطبه 221.
- [4]. همان، نامه 53.
- [5]. جاثیه (45): 24.
- [6]. زمر (39): 22.
- [7]. قرآن و روانشناسی، محمدعثمان نجاتی، مترجم: عباس عرب، ص 335 و 336؛ ر.ک: بقره (2): 158 و 251 - 249؛ معارج (70) 28 - 19.
- [8]. پیام قرآن، ناصر مکارم شیرازی، ج 5، ص 411.
- [9]. میزان الحکمه، ج 4، ح 3728.
- [10]. همان، ح 19163.
- [11]. قیامت (75): 36.
- [12]. حجر (15): 92 و 93.
- [13]. بقره (2): 284.
- [14]. انبیاء (22): 47.
- [15]. نهج البلاغه، خطبه 167؛ ر.ک: بحارالانوار، ج 7، ص 243 و 286.
- [16]. نهج البلاغه، نامه 27.
- [17]. بقره (2): 48.
- [18]. یونس (10): 54.
- [19]. ابراهیم (14): 51.
- [20]. سجده (32): 14.
- [21]. مطففین (83): 4.

[22]. نهج البلاغه، حكمت 324.

[23]. غررالحكم، ج 2، ص 495.

[24]. نهج البلاغه، حكمت 280.

[25]. همان، خطبه 182.

[26]. همان، خطبه 132.

[27]. هود (11): 103.

[28]. نهج البلاغه، خطبه 133.

[29]. ملك (67): 10.

[30]. محمد (47): 12.